

## دو فصل نامه علمی - اختصاصی فقه و حقوق معاصر

سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۱۰ تا ۱۴۲

### تطبيق اجرای عدالت در محاکم حقوقی با محاکم کیفری در نظام قضایی

ایران

اکرم رحمانی<sup>۱</sup>

#### چکیده

شاخصه های تحقق عدالت در نظام قضایی، اصولاً بر مدار تضمین حقوق اصحاب دعوی، قرار دارد. اصل تناظر، که یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی مخصوصاً در دادرسی های حقوقی است، عبارت است از اینکه هر یک از اصحاب دعوی باید علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلالات خود را نیز داشته باشد. این اصل در امور کیفری به صورت تفهیم اتهام بروز کرده است، اجرای اصل فوق الذکر که زمینه ای است برای حاکمیت قانون و دستیابی به نظام دادرسی عادلانه، مستلزم تحقق اصول دیگری است که ما از آن به عنوان شاخصه های عدالت قضایی یاد می کنیم. ثمره ی عملی اجرای این اصول تضمین حقوق اصحاب دعوی، خصوصاً متهم در امور کیفری است. چرا که در محاکمات کیفری آنچه که در معرض مخاطره است، جان و شخصیت آدمی است که بسی مهم تر و حیاتی تر از اموال و اشیاء بی جانی است، که موضوع دادرسی های حقوقی (غیرکیفری) قرار می گیرد.

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه تبریز.

هدف از این پژوهش شناخت جایگاه هر یک از اصول فوق الذکر در قوانین موضوعه است. بدین معنی که قوانین حاکم بر نظام حقوقی کشور تا چه حدی توانسته است حکومت اصول مذکور را تضمین کند و احیانا چه نارسائی هایی در این خصوص وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** عدالت قضایی، اصول دادرسی عادلانه، آیین دادرسی کیفری، آیین دادرسی مدنی.

## ۱ - مقدمه

بررسی « عدالت » در محاکم حقوقی ایران تحقق اصول تضمین عدالت قضایی، مبتنی بر دو مؤلفه ی عمده است:

یکی عوامل تأثیرگذار شخصی و روانی دادرس و دیگری جنبه ی قانونی، که ضمانت اجرای تخلف از اصول فوق و همچنین راهکارهای پیشگیرانه را ارائه کرده است.

آنچه که ذیل مؤلفه ی اول مورد مطالعه قرار می گیرد ریشه در قدرت نفس و نحوه ی تربیت قاضی دارد، که از موضوع این تحقیق خارج است. در این مقاله بایستی جایگاه اصول یا شاخصه های عدالت قضایی را در قوانین موضوعه ی کنونی شناخته و در حقیقت به این پرسش پاسخ خواهیم داد که نظام قضایی تا چه حدودی توانسته است در قالب قوانین و مقررات بالاخص قانون آیین دادرسی جدید تحقق این اصول را تضمین کند و احیانا چه کاستی هایی در این زمینه وجود دارد.

ما در این مقاله سعی بر آن داریم که راجع به چگونگی تسهیل سازی عدالت در محاکم حقوقی و کیفری مطالعه و پژوهش بیشتری را به خرج دهیم.

قبل از بررسی راهکارهای عملی تأمین عدالت قضایی، بررسی مفهوم «عدالت قضایی» و سپس بررسی سازمان قضاوتی در ایران، ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است راه کارهای عملی بررسی شده پس از «مقدمه» حصری نیستند و به عنوان مصادیق مهمی که توجه به آنها می‌تواند تأثیرات عملی موثری در تأمین عدالت قضایی داشته باشد، بررسی شده‌اند.

اصول راهبردی آیین ادرسی را بدین شرح می‌توان ذکر کرد:

- ۱) استقلال و بی‌طرفی قاضی در رسیدگی.
- ۲) تسهیل دسترسی به وکیل و یا نهاد مشاوره‌ی حقوقی برای اصحاب دعوی و ترافعی بودن رسیدگی.
- ۳) رعایت اصل علنی بودن رسیدگی به دعاوی.
- ۴) دو درجه‌ای بودن رسیدگی.
- ۵) لزوم تشکیل هیأت منصفه در برخی دعاوی کیفری.
- ۶) تعدد قاضی در رسیدگی به دعاوی.
- ۷) اصل تناظر (در رسیدگی‌های حقوقی) و رعایت تشریفات رسیدگی اصول فوق را در دو بخش مورد بررسی قرار خواهیم داد:
  - ۱) اصول مربوط به قاضی
  - ۲) اصول مرتبط به طبیعت دادرسی

۲ - عدالت قضایی

۲ - ۱ - عدالت

اهمیت عدالت تا آن حد است که خداوند امر نموده است: «البتة شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید، عدالت کنید که عدل به تقوی نزدیک تر (از هر عمل) است (مائده ۸).

اتفاق نظری که بر اهمیت و قداست «عدالت» وجود دارد، درباره ی محتوی و معیار آن وجود ندارد. مانع مهم اجرای عدالت، نسبی بودن آن است و بیم آن می رود که اختلاف در شناخت عدالت به بی نظمی منجر شود یا مورد سوء استفاده قرار گیرد. ارسطو می گوید انسان حیوانی است که به طور غریزی ستم را از عدل تشخیص می دهد، هر چند که تعریف آن دشوار باشد، چرا که خیلی از مفاهیم را نمی توانیم تعریف کنیم. برتراند راسل گفته است: «عدالت عبارت از رفتاری است که اگر اجرا شود کم ترین مردم را در آن جامعه ناراضی می کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۱). همچنین گفته شده که «آن چیزی که اکثر قضات ما در آن نقص دارند، نقص علمی است، آن هنر را ندارند، والا همه وجدان دارند. قاضی نه تنها باید مجری قانون باشد، بلکه باید پاسدار عدالت هم باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۲). طبق این نظر عدالت فراتر از قانون و حاکم بر آن است. روشن نبودن محتوای عدالت و یا تعریف محتوای آن با کلیات مجمل و غیردقیق معیار وجدانی انصاف، درک همگانی و امثال آن به هرج و مرج قضائی می انجامد. مهم ترین منبع حقوق، قانون است و معیارهای قضاوت باید دقیق و روشن و تا حد ممکن غیرمجممل و مدون باشد، بنابراین در این نوشتار منظور از عدالت قضایی اجرای دقیق حقوق و منابع حقوق در مقام قضاوت است، به همان ترتیبی که در قانون اساسی و سایر مقررات ماهوی و آیین دادرسی مندرج است. برای بررسی راهکارهای تأمین عدالت قضایی، شناخت اجمالی سازمان قضاوتی ایران ضروری است که پس از بررسی مفهوم عدالت به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۱- مفهوم عدالت

عدل در لغت در معانی متعددی همچون برابری، انصاف، درمقابل ظلم و ستم به کار رفته است. (معلوف، ۱۳۶۵، ص ۸۹۹). همچنین گفته شده است که عدالت یعنی ترک جرائم بزرگ و اصرار نوزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت، و

مروت عبارت است از اتصاف به اموری که پسندیده است به حسب مکان و زمان و شأن شخص. عکس عدالت را فسق گویند. همچنین عدل و انصاف به معنی گذاشتن پایه ی احقاق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد است. عدالت در معنای دیگر، در مقابل قوانین جاری کشوری است. یعنی نظری که از قوانین گرفته نشده است و حتی ممکن است مغایر با آن باشد، در عین حال که عرف مصداق عدل و انصاف شمرده می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۴۴۳)

واژه "عدل"، همیشه مرادف با مساوات و همسان با آن نیست، اما در قضاوت، "عدل" برابر مساوات در مقابل قانون است. سیره نبوی(ص)، بر اجرای حدود درباره همه افراد، چه آنها که از اشراف و خانواده های مشهور و مورد احترام بودند و چه دیگر مردم تأکید دارد. هیچ گونه شفاعت و واسطه گری درباره آنها پذیرفته نبود.

عدل و مساوات در اسلام، نه تنها نسبت به مسلمانان رعایت می شود، بلکه قرآن دستور داده که نسبت به دشمن هم نباید از مسیر عدالت خارج شد. با توجه به آنچه گفته شد عدالت عبارت است از: «گذاشتن پایه ی احقاق حق بر مساوات در برابر قانون و احترام به حقوق افراد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۴۴۴)

عدالت قدیمی ترین مفهومی است که بشر با ادراک وجدانی خود آن را از آغاز تمدن شناخته و به عنوان هدفی آرمانی، برای استقرار و تحقق آن بسیار کوشیده است.

در تاریخ تمدن انسانی پیش از آن که فکر قانون و مفهوم آن شکل بگیرد، اندیشه عدالت و قواعد آن شکل گرفته است.

در اهمیت عدالت همین بس که آموزه عدل الهی یکی از تعالیم و آموزه‌های گران‌سنگ تمام پیامبران الهی بوده و خداوند متعال برپایی عدالت را هدف خود از بعثت انبیاء و انزال کتب آسمانی معرفی کرده است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۵) «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (نحل/۹) حتی در برخورد با کفار نیز عدالت پیشگی از معیارهای انسانی در دین به شمار آمده است. (یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للقوی «مائده/۸»)

عدالت به صورت مضاف، جهت خاصی از مفهوم گسترده عدالت را در بر می‌گیرد. عدالت اقتصادی در بردارنده عدالت در جهت اقتصاد جامعه است، عدالت سیاسی شامل اجرای عدالت در جهت سیاسی است، عدالت قضایی نیز در بردارنده اجرای عدالت در جهت قضایی (رسیدگی و صدور حکم به قصد ایجاد تناسب و توازن بین حقوق فرد و اجتماع در چهارچوب قانون) (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۱) است. (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۸)

۲ - ۱ - ۲ - عدالت از دیدگاه دین

قرآن کریم افراد را به برپایی عدالت دعوت می‌نماید. در سوره حدید، یکی از اهداف رسالت پیامبران، برپایی عدالت در جامعه ذکر شده است ... خداوند متعال در کتاب آسمانی اش، با صراحت مردم را به عدل و احسان دعوت می‌نماید. از گواهان در محکمه هم خواسته شده اقامه قسط نموده و به عدل گواهی دهند. برای خدا گواهی دهند، اگر چه به ضرر آنها یا به زیان پدر و مادر و خویشان آنان باشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنابراین، هم قاضی و داور لازم است به عدل دآوری کنند و هم افراد جامعه که گاه نیاز به آنهاست از مسیر حق و عدل منحرف نشوند. تنها در این صورت است که عدل و داد در جامعه گسترش می‌یابد.

می توان گفت که بنای قضاوت رسول خدا(ص) بر گواهی گواهان و سوگند استوار بوده و هرگز بنا نبود که ایشان از امور غیرعادی و غیبی بهره ببرند. امروز دنیای مدعی حقوق بشر، عدالت را نسبت به مردم و طرفداران خویش روا می شمارد و حقوق شهروندی آنان را مراعات می کند، اما درباره دیگر ملتها و ادیان، هر تصمیمی که گرفته شود، اگر چه مخالف عدل و انصاف باشد، در دیدگاه آنان پذیرفتنی است. اسلام در اوج قدرت و عزت خود، اجرای عدالت را درباره همه افراد و برای تمامی ادیان لازم می شمارد.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام می فرماید «العدل میزان الله فی الارض فمن اخذه قاده الی الجنة و من تركه ساقه الی النار» با این وصف در نگاه رسول خدا(ص) عدالت معیار تمام امور جمعی و فردی معنوی و مادی، جسمانی و روحانی و سیاسی و غیر سیاسی است و باید در احساس اندیشه و گفتار و کردار انسانی تجسم یابد «اذا قلتُم فاعدلوا».

بهر حال میان قدرت سیاسی و عدالت پیوند گوه‌رین وجود دارد و اساسا مبنای حقانیت قدرت، عدالت است. بنابراین، اولاً باید عدالت را در شمار مبانی مشروعیت دولت‌ها آورد، زیرا غلبه و سلطه هیچ گاه مشروعیت با خود به همراه ندارد؛ ثانیاً - اگر دولت بر اساس اصول عدالت پدید آید، برای بقا و استقرار باید در سطوح گوناگون به عدالت پایبند باشد.

بر این اساس مهمترین آثار سیاسی - اجتماعی عدالت را از دیدگاه پیشوایان معصوم(س) می توان ثبات و بقای حکومت و نظام سیاسی جامعه، استقلال، توان و عزت، نافذ شدن حکم و فرمان زمامداران، ارزشمندی رجال سیاسی جامعه، بی‌نیازی از بیگانگان و غیره برشمرد.

پیوند حقوق و عدالت را در بسیاری از قواعد فقهی نیز می‌توان دید، مانند «قاعده درء» این قاعده بدون تردید برای تأمین عدالت کیفری تعبیه شده و می‌توان آن را همراه اصل برائت دانست. حتی نظم در معاملات ایجاب می‌کند که اشخاص در اعتبار و نفوذ قراردادها تردید نکنند و مطمئن باشند که قانون مفاد پیمانشان را محترم می‌شمارد و در صورت لزوم مدیون را ملزم به پرداخت می‌کند. حتی «مسئولیت مدنی» بر عدالت مبتنی است. این اصل که هر کس به دیگری خسارت وارد سازد باید از عهده جبران آن بر آید، قاعده‌ای عادلانه است. عدالت حقوقی در حقیقت نمودار تمام واقعیت‌های قانونی، اجتماعی، روانی است و متضمن نظمی است که مراحل گوناگون قانون‌گذاری، تفسیر و اجرای قانون را در بر می‌گیرد.

به تعبیر پیامبر خدا رسول مکرم اسلام (س) عدل میزان و ترازوی خداوند در روی زمین است «العدل میزان الله فی الارض».

و بی‌تردید باید گفت عدالت حقوقی نظام حکومت است و عامل حیات و بقا احکام و حقوق انسانها «علی العدل حیاة الاحکام» نیز می‌باشد.

در خاتمه باید گفت از منظر قرآن و حدیث و حکمت اسلامی، انسان در صورتی سعادت‌مند خواهد شد که خود را در خدمت مصلحت عمومی از طریق تحقق بخشیدن به عدل و داد الهی در جامعه قرار دهد.

حکمای اسلامی با توجه به اموری چون فطرت، عقل و اختیار و حقوق انسان، بویژه با طرح حقوق فطری و تلازم و همبستگی عقل و شرع از یک سو و تلازم و همبستگی ذوق و برهان و شریعت و بازگشت همه اینها به فطرت نوع بشر از سوی دیگر، عدالت را با نگاهی الهی - انسانی مطرح کردند. چرا که این دین آسمانی و انسانی قادر است قابلیت‌ها و استعدادی درونی پیروان خویش را شکوفا



سازد و آن را به شیفتگان حق و عدالت تبدیل کند و از نیروی بسیج شده آنان به نفع پیشبرد مصالح عمومی سود جوید.

### ۱- ۲- ۲- مفهوم عدالت قضایی

یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها و آرزوهای جامعه بشری، اجرای عدالت قضایی است. عدالت، یعنی برقراری مساوات و برابر شمردن همه افراد جامعه از نگاه قانون و همچنین نفی جامعه طبقاتی. عدالت قضایی نیز به معنای حل اختلاف‌های افراد با یکدیگر بر اساس قوانین مصوب است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه عهده‌دار اجرای عدالت قضایی است. از این رو، مسئله قضا در قانون اساسی به منظور پاسداری از حقوق مردم، امری حیاتی شمرده شده و به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن، بر لزوم دور ماندن نظام قضایی از هر نوع رابطه و مناسبت‌های ناسالم، تأکید شده است.

قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این عنصرهای بزرگ بشری، سالم است؛ یعنی اگر فرض کنیم کسی از یک کشور هیچ خبری نداشته باشد، سپس به دستگاه قضایی آن کشور برود و تفحصی بکند، ببیند که آنجا قضاتی عادل و قاطع، سیستم و سازمانی منسجم و کارآمد، قوانینی حساب شده و عادلانه وجود دارد و مشاهده کند که آنها خوب کار می‌کنند، قاعدتا باید نتیجه بگیرد که وضع کشور خوب است.

"عدالت" از مقدس‌ترین ارزش‌های بشری است که در مقایسه با مقوله‌هایی چون آزادی، دموکراسی و مساوات، برتر و مقدس‌تر است، زیرا "عدل" تأمین‌کننده همه آنها به شمار می‌رود. عدل همواره در گذر تاریخ، مورد توجه مردم و

اندیشمندان بوده است. حاکمان عادل و قاضیان عدل گستر، خاطره های زیبایی در اذهان مردم بر جای گذاشته و معیاری برای سنجش رفتار دیگران قرار می گیرند.

عدالت قضایی به معنای اجرای صحیح قانون است و متأسفانه عدالت قضایی به معنای واقعی کلمه پیاده نشده است. عدالت قضایی یعنی اجرای قانون. هر اندازه قانون را درست اجرا کنیم به همان اندازه به عدالت نزدیک تر شده ایم، هر چند ممکن است خود قانون اشکالهایی داشته باشد که بر مبنای آن نتوانیم عدالت را اجرا کنیم.

عدالت واقعی غیر از عدالت قضایی است. عدالت قضایی به معنای اجرای قانون است، اما عدالت واقعی این است که قوانین ما عادلانه باشند. قانون نیز زمانی عادلانه است که از جامعه برخیزد، جامعه آن را بپسندد و نیازهای جامعه را رفع کند.

درباره ی راهکارهای اجرای عدالت قضایی، می توان گفت که راه اجرای عدالت قضایی، اجرای قانون و وجود ضمانت اجرا برای آن است. یعنی دولتمردان و مسوولان سعی کنند از قانون منحرف نشوند و قانون را خواه خوب و خواه بد اجرا کنند، این عدالت قضایی است.

متأسفانه عدالت قضایی به معنای واقعی کلمه پیاده نشده است و مسوولان سعی نکرده اند قوانین موجود را آن طور که باید اجرا کنند و نظریه های شخصی در اجرای قوانین بسیار فراوان بوده و این نقطه ضعف است. قانون آن طور که هست باید اجرا شود، نه آن طور که مورد نظر افراد است. قانون بر آزادی بیان تصریح کرده، اما واقعیت این است که این آزادی آنگونه که مدنظر قانون بوده اجرا نمی شود، مخصوصاً در حوزه ی قوانین کیفری.

سایر نهادها اگر در این امر همکاری کنند خوب است، اما نقش قوه قضاییه بسیار مهم است. ضابطان و بقیه افرادی که می‌توانند کمک کنند همه در فرآیند قضایی قرار می‌گیرند.

به طور خلاصه می‌توان گفت عدالت قضایی عبارت از رسیدگی بی طرفانه، منصفانه و ضابطه مند به دعاوی، تظلمات و جرایم توسط مقامات قضایی است. (پروینی، ۱۳۸۸، ص ۲۲) عدالت قضایی را دادرسی عادلانه و منصفانه نیز می‌گویند. باید توجه داشت که عدالت قضایی متفاوت از عدالت کیفری است. در حقیقت عدالت کیفری این هدف را پی می‌گیرد که کیفر و مجازات بر اساس عدالت باشد اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پیگیری عدالت در مرحله ی قضاوت و پس از آن است. بنابراین کیفر عادلانه زمانی وضع خواهد شد که شخصیت مجرم و آسیب های وارده بر جامعه شناخته شود. بدین منظور لازم است که شخص قانون گذار یا دادگاه قضایی، به نیابت از او، قابلیت مرتکب و تناسب مجازات با آن قابلیت را تشخیص و مجازات لازم را اعمال کند. در برخی مجازات ها مانند حدود، قصاص و دیات، شرع مقدس شخصا کیفر عادلانه را بر اساس شناخت کامل خود از آسیب های وارده بر جامعه و مرتکب شدن این قبیل جرایم وضع کرده است اما در دیگر جرایم، این امر به حکومت اسلامی و در راس آن ولی فقیه سپرده شده است. این در حالی است که عدالت قضایی بدین معناست که پس از ارتکاب جرم یا تضییع حق، مجریان عدالت، عدالت را درباره ی اصحاب دعوا اعمال کنند. (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰)

همچنین عدالت بیشتر بر آیین دادرسی کیفری استوار است و می‌تواند بزهکار را از ناکرده بزه تفکیک نموده و ضمن جلوگیری از خودسری وابسته از مجریان عدالت کیفری، از اشتباهات قضایی ممانعت و اجرای عدالت را میسر سازد

(آشوری، ۱۳۷۶، ص ۳). در حقیقت عدالت قضایی بر خلاف عدالت کیفری که بیشتر به قانون بر می گردد، ارتباط مستقیمی با اجرای قانون دارد، از این روست که دکتر آخوندی، عدالت قضایی را به اجرای قانون تعریف کرده است (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

و در زمینه آئین دادرسی مدنی کیفری اصولی مانند بی طرفی و استقلال قاضی و رعایت اصول تناظر و رعایت تشریفات قانونی بهتر از هر چیز دیگری می تواند تضمین کننده ی عدالت باشد.

عدالت قضایی از محوری ترین پایه های عدالت اجتماعی در اسلام به شمار می رود به گونه ای که دوام و زوال حکومت اسلامی در گرو آن بوده و کارآمدی نظام نیز تا حد زیادی بدان بستگی دارد. (یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۱)

این نوع از عدالت از بزرگ ترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شود.

باید توجه داشت که «عدالت قضایی» متفاوت از «عدالت کیفری» است. و شامل عدالت در مسائل حقوقی هم می شود. عدالت کیفری بیشتر بر آیین دادرسی کیفری استوار است و می تواند بزه کار را از ناکرده بزه تفکیک نموده و ضمن جلوگیری از خودسری و استبداد مجریان عدالت کیفری، از اشتباهات قضایی ممانعت و اجرای عدالت را میسر سازد؛ (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۳) اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پی گیری عدالت در مرحله قضاوت چه در مسائل حقوقی چه مسائل کیفری و پس از آن است.

تحقق عدالت قضایی زمانی میسر خواهد بود که سیستم قضایی به گونه ای عادلانه برنامه ریزی شده باشد. از این رو عدالت قضایی بیش از هر چیز، وام دار عدالت کیفری و قوانین عادلانه است. فرآیند صدور تا اجرای حکم،

گرفتنار چالش‌های ریز و درشتی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، برای رهاندن روند اجرای عدالت از این چالش هاست.

### ۳- سازمان قضاوتی ایران

جهان در حرکت سریع خود به سوی توسعه، برنامه ریزی را سرلوحه خود قرار داده است تا هم وظایف همه ارگان ها و دستگاه ها در فرآیند پیشرفت به صورت مدون و همگن معین شود و هم هدف و چشم انداز به روشنی مشخص شود.

در جمهوری اسلامی ایران نیز جهت دست یابی به اهداف و آرمان های بلند انقلاب اسلامی که در قالب اسناد بالادستی چون چشم انداز ایران ۱۴۰۴ متجلی شده است برنامه های توسعه چهارساله در عرصه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظایر آن ترسیم شده است.

در دستگاه قضایی نیز بر همین اساس و علاوه بر آن به منظور جبران تعویق کمی و کیفی رشد و توسعه قضایی در قیاس با سایر بخش ها برنامه محوری در راس برنامه ها و عملکرد قرار گرفت و ایده ها و اندیشه های ناب فقیه عالی قدر آیت الله هاشمی شاهرودی در قالب طرح ها و پروژه هایی مدون هدف گذاری شد.

برنامه اول توسعه قضایی از سال ۱۳۷۸ شروع و در سال ۱۳۸۳ با توفیقات فراوانی همراه بوده است. برنامه دوم نیز با فرمان ریاست قوه قضاییه خطاب به رییس مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی در اسفند سال ۱۳۸۲ از سال ۱۳۸۳ آغاز شد و مقدمات برنامه سوم توسعه نیز با فرمان سال ۱۳۸۶ ریاست قوه قضاییه خطاب به معاون حقوقی و توسعه قضایی شروع شد و قرار است از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۳ ادامه یابد.

این سند که در واقع به عنوان متن مادر برای برنامه های چهار ساله توسعه قضایی و نیز سایر برنامه های جزیی قوه قضاییه به شمار می آید، در سال ۱۳۸۷

و در زمانی که ثمرات طرح های اصلاحی دستگاه قضایی در دوران ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی رخ داده بود به تصویب رسید.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی و سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴، قوه مستقل، عدالت گستر، کارآمد و اثرگذار در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و امنیتی کشور است و با نگاه و تعاملی جامع به الگوی الهام بخش و فعال قضاوت اسلامی تبدیل خواهد شد.

قوه قضاییه در سال ۱۴۰۴ دارای ویژگی هایی چون در دسترس و مورد اعتماد همه افراد جامعه، مشارکت پذیر، روزآمد و کارآمد، پاسدار حقوق جامعه، فعال در تامین بهداشت حقوقی و قضایی عدالت گستر، ناظر کارآمد و موثر، برخوردار از منابع انسانی شایسته و پشتیبان قابل اعتماد برای توسعه ملی خواهد بود.

قوه قضاییه برای ایجاد تحول بنیادین برخی طرح های عمده ملی را در افق برنامه دوم توسعه قضایی تعیین کرده است این طرح ها دارای ارتباط سازمان یافته منسجم اند که شاکله برنامه دوم توسعه قضایی را تشکیل می دهند.

این طرح شامل طرح تدوین یکپارچه لوایح قضایی، مقررات و آیین نامه ها، توسعه منابع انسانی قوه قضاییه، اصلاح ساخت و نظام جامع قضایی کشور، طرح تعامل قوه قضاییه با بخش های کلان دیگر، طرح اعتبارسنجی و اعتبار بخشی و ارزشیابی جامع قوه قضاییه، طرح جامع اطلاعاتی عملیات و مدیریت قوه قضاییه و طرح نظام تحقیق و مطالعه قضایی است.

قوه قضاییه با توجه تحلیلی که از منابع و عملکرد درونی به عمل آورده و نیز با توجه به شرایط محیطی شامل عوامل موثر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نیز سیاست های کلان نظام جمهوری اسلامی، راهبردهای متعددی را برای تحقق مأموریت های خود برگزیده است.

آنچه مسلم است تدوین دقیق اهداف، در کنار تبیین راه های صحیح دست یابی به آن، شالوده هر برنامه ای محسوب می شود.

از ویژگی های برنامه توسعه قضایی هدف گذاری مبسوط و چند وجهی است که جامعیتی قابل ملاحظه به آن بخشیده است.

توسعه قضایی، به منزله راهبرد اساسی در دستگاه قضایی با اجرای برنامه های اول و دوم توسعه قضاییه آغاز و بسترهای سازمانی مناسب برای نهادینه شدن برنامه ریزی به عنوان ابزار توسعه همه جانبه قضایی را فراهم کرده است.

اگر چه انطباق نظام قضایی با شرع مقدس اسلام، نیازمند اقدامات هماهنگ و همراهی همه نهادهای مرتبط، تدوین و اجرای برنامه های مدون دارد در این راستا، ایجاد شوراهای حل اختلاف، احیای دادسراها، استفاده از فن آوری های نو و پیاده سازی گسترده آن در مراجع قضایی و سازمان های تابعه، انجام مطالعات فقهی و تطبیقی در زمینه های مختلف، تدوین لوایح قضایی، ارتقای علمی قضات و بهبود وضعیت زندان ها و اقدامات مطلوب دیگر در بخش های ستادی و اجرایی و سازمان تابعه قوه قضاییه، زیرساخت های لازم را برای نهادینه کردن عدالت قضایی و امنیت اجتماعی فراهم ساخته است .

با ارائه ی راهبرد محوری «توسعه ی قضایی» از سوی رئیس محترم قوه قضائیه، این قوه بتدریج گام به سوی توسعه نهاد. بی گمان، تحقق این مهم افزون بر اقدامهای متعارف مدیریتی و اجرایی، مستلزم انجام اقدامهایی بنیادین و زیربنایی است. در این میان، اصلاح ابزارهای عمده اجرا و مدیریت قضایی یعنی «قوانین»، «ساختار»، «تشکیلات» و نیز کاهش «امور تصدی گرانه» اهمیت ویژه داشت. بدین علت و در این راستا، اقدامهایی برای اصلاح امور یاد شده انجام شده یا در حال انجام است. افزون بر آن، قوه قضائیه با تهیه و تدوین سیاستهای کلی قضایی که هموارکننده ی راه توسعه ی قضایی است ، پیگیری تصویب آن در مجمع

تشخیص مصلحت نظام و تأیید مقام معظم رهبری، تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی به منظور پیشگیری از جرم، تشکیل ستادهای مبارزه با جرایم ویژه، تشکیل شورای قضایی استانی به منظور هماهنگی میان واحدهای تابع قضایی استانها و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه و مانند آن، مسیر توسعه قضایی را با توجه به ویژگیها و شاخصهای آن تسریع بخشید که به پاره ای از این اقدامها اشاره می کنیم. در این فصل، اقدام های بنیادین انجام شده برای توسعه ی قضایی به طور خلاصه بررسی می شود. لازم به یادآوری است که قوه ی قضائیه در پنج سال اخیر دو اقدام بنیادین زیر را نیز در رأس امور خود قرار داده است: (۱) «زندان زدایی» با توسل به «ابزار کاهنده» بار دادگاه ها یعنی جرم زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی و مانند آن؛ و (۲) ایجاد «روحیه ی بشرگرایانه» در نظام عدالت کیفری.

### ۳- ۱- مفهوم قضا

قضا در لغت در معنای متعددی به کار رفته است؛ از جمله محاکمه، دادرسی، داوری و قضاوت بین اشخاص. قضی له به معنی حکم له (حکم به نفع او داد) و قضی علیه به معنی حکم علیه (محکوم کرد) (معلوف، ۱۳۶۵، ص ۱۰۲۱). در تحریرالوسیله در کتاب القضاء ذکر شده است که «و هو الحکم بین الناس لرفع التنازع بینهم بالشرايط الآتیه» قضا به معنای حکم به رفع اختلاف بین مردم است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۴).

همچنین قضا در این معانی به کار رفته است:

- الف- اختیار و توانایی احقاق حق و فصل خصومت؛  
ب- مجموع سازمان ها و مراجعی که اختیار احقاق حق و فصل خصومت در دست آنان می باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۶۴۸).



در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تقسیم کار بین سازمان های دولتی، وظیفه قضا به عهده ی قوه ی قضائیه قرار دارد، که طبق بند ۱ اصل ۱۵۶ عبارت است از: «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم، در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند. در فرهنگ اسلامی، عدالت موضوعی مقدس است. در قرآن مجید برپایی عدالت از اهداف پیامبران (ص) است؛ «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). همچنین خداوند (جل جلاله) فرموده است: «هرگاه بین مردم داوری می کنید به عدل حکم نمایید» (نساء، ۵۸).

### ۱-۳-۲- مراجع قضایی

قضاء (دادرسی) به معنای مجموع سازمان ها و مراجعی که اختیارات احقاق حق و فصل خصومت در دست آنان می باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۳) شامل مراجع متعدد و گسترده ای می گردد که می توان آنها را به دو گروه تقسیم نمود؛ مراجع قضایی و مراجع شبه قضائی. مراجع قضائی کلیه نهادها و مراجعی را در بر می گیرد که زیر نظر قوه قضائیه قرار دارند، که به طور عمده عبارتند از: شوراهای حل اختلاف، دادرها، دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی، دادگاه های انقلاب، دادگاههای تجدید نظر، دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح. طبق ماده ی ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹، دادرها و دادگاه ویژه ی روحانیت، که به جرائم و نیز اعمال خلاف شؤون اشخاص روحانی رسیدگی می کنند، مستقیماً زیر نظر ولی فقیه قرار دارد و از مراجع قضایی استثنایی است. مراجع شبه قضایی، کلیه ی نهادها و مراجعی را در بر می گیرد که اختیارات احقاق حقوق و فصل خصومت را دارند، ولی زیر نظر قوه ی قضائیه نیستند، همچون سازمان تعزیرات حکومتی، هیأت های تشخیص و هیأت های حل اختلاف پیش بینی شده در قانون کاربرای

اختلافات بین کارگر و کارفرما، اداره ی ثبت و هیأت حل اختلاف پیش بینی شده در مقررات ثبتی، هیأت نظارت و شورای عالی ثبت، (شمس، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵)، هیأت حل اختلاف مالیاتی، شورای عالی مالیاتی، کمیسیون بدوی و تجدید نظر رسیدگی به اختلافات گمرکی، کمیسیون ماده ی ۱۰۰ قانون شهرداری، کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، هیأت حل اختلاف اداره ی ثبت احوال، کمیسیون اصلاح سن (بیش از ۵ سال) مندرج در قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها (مصوب ۲ / ۱۱ / ۱۳۶۷).

مصادیق مذکور، مراجع عمده ی سازمان قضاوتی ایران را در بر دارد، اما بدیهی است که منحصر به موارد فوق نیست. مراجع قضایی، به معنای اعم، شامل نهادهای دیگری نیز می شود، همچون مراجع انتظامی قضاوت، وکلا و کارشناسان، هیأت های رسیدگی تخلفات اداری، کمیته های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات دانشجویی، داسرا و هیأت های مستشاری دیوان محاسبات کشور. تمامی مراجع قضائی و شبه قضائی و فوق العاده ی مذکور را می توان مراجع دادگستری عمومی نام نهاد. مراجعی که در آنها اشخاص تصمیم گیرنده، منتخب مستقیم اطراف پرونده نیستند و به دولت (به معنای اعم کلمه) وابسته هستند. در مقابل دادگستری عمومی، نهاد داوری وجود دارد که در آن شخص تصمیم گیرنده، علی الاصول، وابسته به دولت نیست و قاضی منتخب طرفین دارای اختلاف حقوقی است. طبق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه ی دعوی دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند». رأی داور، طبق مقررات آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام مدنی، به درخواست محکوم له قابلیت اجرا دارد (شمس، ۱۳۸۴، ص ۵۷۷). داوری، امروزه

در حقوق تجارت اهمیت روزافزونی دارد. با توجه به تنوع و تعدد مراجع قضاوتی، مشتمل بر مراجع عمومی (قضایی، شبه قضایی و ویژه) و مراجع خصوصی (داوری) راهکارهای عملی تأمین عدالت قضایی نمی تواند در همه مراجع قضاوتی نیازمند راهکارهای ویژه خود است. بنابراین در سه قسمت، راهکارهای مشترک، راهکارهای ویژه مراجع قضایی، راهکارهای ویژه مراجع شبه قضایی، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

راه کارهای مشترک

کاستن از حجم مقررات

گفته شده است: «زیادی تعداد قوانین، بیشتر اوقات، برای ارتکاب شرارت ها عذر تراشی می کند. بنابراین یک کشور با قوانین بسیار کم بهتر اداره می شود، زیرا همه آن را به دقت رعایت می کنند» (فیلیپ مالوری، ۱۳۸۱، ص ۹۳). همچنین بالزاک در کتاب پزشکی دهکده گفته است: «ملتی که چهل هزار قانون دارد، اصلاً قانون ندارد» (همان، ص ۲۲۸). در کشور ما مهم ترین منبع حقوق، قانون است. قانون، به معنی عام خود، همه ی مقررات مدون و لازم الاجرا را در بر می گیرد. که عبارت است از قانون اساسی، قوانین عادی مصوبات شورای انقلاب اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، تصویب نامه ها، آیین نامه ها، نظام نامه ها، بخشنامه ها، قوانین از دوره ی مشروطیت تا حال، که حجم عظیمی از مقررات مدون را تشکیل می دهد و البته قطعاً باید بر این فهرست، آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را افزود، که این دو در عرض قوانین عادی مصوب قوه ی مقننه هستند. مراجع قانون گذاری و حقوق سازی (به معنای عام) به طور روزانه و به نحو مضاعف مصوبات جدید را تصویب و بر حجم قوانین می افزایند، زیرا وضع

مصوبه، سهل ترین طریق حل مشکلات به شمار می رود. تنوع و کثرت مصوبات مراجع مختلف، در زمان های مختلف، یافتن راه حل واقعی را از میان کوهی از مقررات و مصوبات برای تصمیم گیرنده دشوار می سازد. در هر زمینه ی کاری، حذف مقررات منسوخ و متروک و ناقص و ارائه یک قانون و آیین نامه، مرجع قضاوت را از جستجو در انبوهی از مقررات می رهاند و به وی فرصت تحقیق و بررسی برای کشف واقع و اجرای عدالت می دهد.

#### آموزش ضمن خدمت

بعید به نظر می رسد که هرکسی، در هر مرتبه ای که باشد، خود را از آموزش های نظری یا عملی ضمن خدمت بی نیاز بداند و آن را بی تأثیر بشمارد. تحولات و تغییرات سخت افزاری و نرم افزاری درهمه ی امور، همگان را به بروز کردن معلومات و تجربیات خود نیازمند کرده است و قطعاً مراجع قضاوتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. ارتباط ضعیف بین مراکز علمی حقوق با مراکز عملی حقوق از یک طرف و از سوی دیگر ضعف ارتباط مراکز علمی حقوق با یکدیگر و نیز عدم هماهنگی بین مراکز علمی حقوقی، لطمه ی شدیدی به کیفیت عدالت قضائی وارد آورده است که هم جامعه از آن متضرر می شود و هم مراکز علمی و عملی حقوق. منظور از آموزش ضمن خدمت آن نیست که هر نهاد برای خود سمینار و برنامه ی آموزشی بگذارد و بی توجه به عملکرد یا نظریات سایر نهادهای مرتبط، سعی در ارتقای خود داشته باشد، که نتیجه این تفرق و خودمحوری چیزی جز، عمیق تر شدن شکاف ها و عدم کارایی راه حل ها نیست. دانشجویان یا مدرسان خود بخشی از هفته را باید در مراجع قضایی و یا شبه قضایی بگذرانند و صاحبان رأی در مراجع مذکور بخشی از اوقات خود را در مراکز علمی حقوق سپری نمایند، تا نتیجه ی این تعامل و هم اندیشی، تقویت بنیه ی علمی - عملی حقوق کشور در مراجع قضایی و شبه قضایی باشد. با

گسترش داورى هاى شخصى و سازمانى (مانند اتاق بازرگانى) در بخش حقوقى، به ويژه امورتجارى (اعم از داخلى يا بين المللى)، داورى ها بيش از پيش نياز به آموزش ضمن خدمت دارند. نهادهای داورى نيز به کنترل كیفى و كمى و نظارت نياز دارند. دادرسى از طريق داورى، به طريق خصوصى و غيرعلنى، طبق توافق اصحاب اختلاف، در جامعه جريان دارد. ارگان هاى عمومى وقتى از آن مطلع مى شوند كه داورى خاتمه يافته و محكوم له، اجراى رأى داور را از مراجع قضايى خواستار مى شود. محكوم عليه نيز اعتراضات مختلفى، همچون باطل بودن رأى داور، عدم بى طرفى وى و اشكالات متعدد ديگر را مطرح مى سازد. راه كار عملى پيشنهادهى براى كاستن از دعاوى ناشى از داورى، و اجراى بهتر عدالت قضايى توسط داوران است كه قاضى قبل از شروع به كار، آغاز داورى خود را به يك مرجع رسمى اعلام دارد و اين مرجع رسمى مشاور او در امور مربوط به مقررات كشورى، آيين رسيدگى و ساير موارد مورد نياز باشد و در مقابل، نظارت نسبى بر كار او داشته باشد. ثبت آغاز و پايان داورى و نظارت بر آن و دادن مشاوره و كمك به آن توسط مراجع عمومى، به نفع اصحاب دعوى و نيز به نفع قوه ي قضائيه است كه طبق مقررات، مجرى آراء داورى است.

۴ - جرایم علیه عدالت قضایی

۴ - ۱ - مفهوم جرایم عدالت قضایی

عدالت عبارت است از «گذاشتن پایه ی احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد» (جعفرى لنگرودى، ۱۳۶۸، ص ۴۴۴). عدالت كیفى كه بيشتر بر آيين دادرسى كیفى استوار است مى تواند بزهكار را از ناكرده بزه تفكيك نموده و ضمن جلوگيرى از خودسرى و استبداد مجريان عدالت كیفى، از اشتباهات قضايى ممانعت و اجراى عدالت را ميسر سازد (آشورى، ۱۳۷۶،

ص ۳). هرآنچه در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی و اجرای حکم خلل وارد نماید، به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی قابل طرح است. حال با اوصاف فوق، به تعاریفی که از جرایم علیه عدالت قضایی توسط محققان معاصر ارائه شده است اشاره می‌نماییم:

جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعل‌هایی دارد که به گونه ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۱۴). به عبارتی دیگر جرایمی که در سیر عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می‌کند و آن را کند نموده یا موانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند (اسدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷). در زمره ی جرایم علیه عدالت قضایی می‌باشند یا به تعبیری دیگر اینکه هر عملی که مانع پیاده سازی عدالت در حوزه ی قضایی باشد، اعم از مرحله ی تعقیب تا اجرای حکم، و یا حتی در مسیر اجرای عدالت در مسائل حقوقی باشد، جرم علیه عدالت قضایی نامیده می‌شود. بنابراین جرایمی که پس از ارتکاب جرم یا پس از تضييع حق، مانع از اجرای عدالت درباره طرفین دعوا یا مرتکبین جرم شود، جرایم علیه عدالت قضایی نامیده می‌شود مانند اعمال نفوذ در اجرای حکم دادگاه (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

النهاییه می‌توان گفت: آن دسته از جرایمی که به هر نحوی مرتبط با سیر مراحل دادرسی (اعم از کشف و تحقیق جرایم، تعقیب متهم، محاکمه و اجرای احکام) باشد و اخلال در این دادرسی منصفانه ایجاد کند و متعاقباً مانع کشف حقیقت و اجرای عدالت گردد را می‌توان در حیطه ی جرایم علیه عدالت قضایی گنجانند. جرایمی که قابلیت آن را دارند تا مسیر اجرای عدالت توسط مجریان قانون را منحرف سازند را جرایم علیه عدالت قضایی می‌نامند. (توجهی، ۱۳۸۹، ص ۱)

در تقسیم بندی متداول حقوق کیفری اختصاصی، جرایم، به سه بخش جرایم علیه اشخاص (جزای اختصاصی ۱)، جرایم علیه اموال و مالکیت (جزای اختصاصی ۲) و جرایم علیه امنیت و آسایش (جزای اختصاصی ۳) تقسیم می‌شوند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

اما این تقسیم بندی، جامع تمامی جرایم نیست زیرا برخی جرایم به دشواری می‌توانند در این دسته‌ها گنجانده شوند.

یکی از این جرایم، جرایم علیه عدالت قضایی است. در قانون مجازات ایران هم فصل خاصی به این جرایم اختصاص داده نشده و جرایم مربوط به آن را در ضمن مواد مختلف بیان نموده است؛ در حالی که در قانون جزایی فرانسه، فصلی با عنوان جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص یافته و جرایم مربوط به آن را در ضمن این فصل بررسی نموده است. (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

نیاز جدی به رفتار عادلانه دستگاه قضایی در روند اجرای قانون، قانون‌گذار ایران را بر آن داشته است که در جهت برخورد با انحرافات و تخلفات پیش روی اجرای قانون، به جرم انگاری انحرافات مزبور بپردازد. از این‌رو هر عملی که مانع اجرای عدالت باشد، جرم علیه عدالت قضایی خواهد بود و تفاوتی نمی‌کند که این جرم در مرحله قبل از تعقیب اتفاق افتد یا پس از آن و یا در حین محاکمه و یا اجرای حکم.

بر این اساس می‌توان جرایم مزبور را طبق مراحل عملیات قضایی به چهار دسته تقسیم نمود:

- الف) جرایم ارتكابی قبل از تعقیب
۱. دفن اموات بدون رعایت نظامات (ماده ۶۳۵ ق.م.ا).
  ۲. مخفی کردن یا دفن بدون مجوز جسد مقتول (ماده ۶۳۶ ق.م.ا).
  ۳. خودداری از اعلام و گزارش جرم به مقامات قضایی

- خودداری از گزارش جرم، مصادیق زیادی دارد از جمله:
- خودداری مدیران و مسئولین از اعلام جرایمی چون ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری و ... (ماده ۶۰۶ ق.م.ا)
  - خودداری کارمندان مراکز نگاهداری و سرپرستی کودکان از اعلام کودک آزاری (ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان)
  - خودداری مدیران و بازرسان و مسئولین ذی‌ربط از اعلام در جرایم اقتصادی (تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹)
  - خودداری ضابطین و مسئولین از گزارش برخی از جرایم (ماده ۷۱۱ ق.م.ا)
  - خودداری نظامیان از اعلام گزارش جرایم کارکنان تحت امر (ماده ۷۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح)
  - ۴. از بین بردن اسناد اثبات جرم
  - از بین بردن یا مخفی کردن اسناد و اوراق دولتی سپرده شده به مستخدمین دولتی (ماده ۶۰۴ ق.م.ا)
  - سوزاندن یا اتلاف دفاتر یا قباله‌ها و سایر اسناد دولتی (ماده ۶۸۱ ق.م.ا)
- ب) جرایم ارتكابی پس از تعقیب
۱. مسامحه و اهمال در دستگیری (ماده ۵۵۰ ق.م.ا)
  ۲. فرار از زندان یا بازداشتگاه (ماده ۵۴۷ ق.م.ا)
  ۳. مساعدت یا تسهیل یا تبانی در فرار (مواد ۵۴۹ و ۵۵۱ ق.م.ا)
  ۴. مساعدت در فرار از طریق دادن اسلحه (ماده ۵۲۲ ق.م.ا)
  ۵. مخفی کردن یا تهیه وسایل فرار متهم یا دستگیر شده (ماده ۵۵۳ ق.م.ا)



۶. مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت (ماده ۵۵۴ ق.م.ا.)
- ج) جرایم ارتكابی در حین دادرسی و صدور حکم
۱. صدور گواهی خلاف واقع پزشک برای تقدیم به مراجع قضایی (ماده ۵۳۹ ق.م.ا.)
۲. شهادت دروغ در دادگاه نزد مقامات رسمی (ماده ۶۵۰ ق.م.ا.)
۳. سوگند دروغ در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد. (ماده ۶۴۹ ق.م.ا.)
۴. امتناع مقامات قضایی از انجام وظایف قانونی (ماده ۵۹۷ ق.م.ا.)
۵. تهدید مقامات قضایی (ماده ۶۶۹ ق.م.ا.)
- با وجود اینکه ماده ۲۳۵ قانون مجازات عمومی تهدید قاضی را جرم شمرده بود؛ اما در قانون مجازات اسلامی این عمل، جرم انگاری خاص نشده است و به صورت کلی بیان شده است.
۶. ادعای اعمال نفوذ و کلا نزد مأمورین قضایی یا اداری یا قاضی یا شهود و اهل خبره (ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵)
- د) جرایم ارتكابی پس از صدور حکم و حین اجرا
۱. عدم معرفی مال یا ارایه صورت خلاف واقع توسط محکوم علیه (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی)
۲. عدم اجرای احکام مراجع قضایی توسط ضابطین دادگستری (ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب) و مطالعات فقهی
- ۴ - ۲ - انواع جرایم علیه عدالت قضایی
- جرایم علیه عدالت قضایی به طور عمده در دو طبقه گنجانده می شوند، «موانع ثبوتی اسستقرار عدالت» و «موانع اثباتی در اجرای عدالت»؛ همچنین تعرض

هایی که نسبت به صاحب منصبان عدالت قضایی از جمله قضات و کارشناسان رسمی صورت می گیرد نوع دیگری از این جرایم می باشند. موانع ثبوتی استقرار عدالت، اعمالی هستند که به طور اخص در عدم اجرای عدالت اثر می گذارند. (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۱۹)

از جمله این جرایم می توان به عدم اعلام جرم و مخفی نمودن مرتکب جرم اشاره کرد. موانع اثباتی نیز اعمالی را در بر می گیرند که در روند اثبات جرم خلل ایجاد می نمایند و از این قبیل است رشاء و ارتشاء. از جمله جرایمی که به صاحب منصبان قضایی به قصد نفوذ بر آنان در جهت عدم اجرای عدالت ارتکاب می یابد می توان به تهدید مقام قضایی اشاره نمود.

۴ - ۳ - اقدامات لازم جهت اجرای عدالت قضایی در امور حقوقی  
جهت اجرای عدالت قضایی در درجهی اول باید مردم را از حقوقشان آگاه کنیم و در حال حاضر در این رابطه در شرایط ایده آلی قرار نداریم.

عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان و بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاهها استفاده کنند و این معنا از اصول ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی استنباط می شود.

اجرای عدالت قضایی را در درجهی اول مستلزم آگاهی مردم از حقوقشان می توان دانست و به منظور اجرای عدالت قضایی :  
اولا باید به مردم حدود حقوقشان آموخته شود، به نحوی که آگاه از این حقوق و قادر به مطالبه آن باشند.

ثانیا وضعیت اصحاب قضا چنان تنظیم شود که به لحاظ مادی احساس بی نیازی کنند؛ همچنین اعتبار و ارزش اجتماعی که برای آن قائل هستند و وضعیت مادی

و مالی یا موقعیت سیاسی و اجتماعی مراجعان در آنها تاثیرگذار نباشد و به تعبیری همگان به یک چشم و به صورت یکسان دیده شوند.

باید وابستگان قوهی قضاییه به ویژه قسمت‌های اداری دادگاه‌ها و ضابطان قوهی قضاییه از نظر معیشت و همچنین اعتبار و ارزش اجتماعی در موضعی قرار داده شوند که مواد اولیه‌ی کار دادگاه‌ها که به وسیله‌ی نیروی انتظامی تهیه می‌شود و نیز آن قسمت از کار محاکم که راجع به دفاتر دادگاه‌هاست - که هرچند اداری و غیرقضایی اما بسیار مهم است- از تاثیرپذیری از وضعیت مالی و اجتماعی مراجعان برکنار بماند.

باید گفت به همان اندازه که در امر آموزش و اصلاح برخی قوانین که تخریب شده بودند، اقدامات موثری به عمل آمده، در مورد ضابطان و دفاتر نیز، ضابطان آنجا که بحث مأموریت انتظامی آنها مطرح است ترقی محسوسی داشتند اما در مورد دادگاه‌ها و دفاتر با ایده‌آل فاصله‌ی بسیار داریم.

تردید نیست چنانچه با تصویب قوانینی مشتمل بر ایجاد جرایم جدید به بار قوهی قضاییه اضافه کنیم یا تمشیت و حل و فصل برخی قضایای ماهیتا سیاسی را از طریق دادگاه‌ها حل کنیم که این خود بار اضافی بر دوش قوهی قضاییه خواهد بود، ناچار کارآیی این قوه و بازده کار آن تقلیل خواهد یافت و در این مورد نمی‌توان صرفاً این قوه را مسوول و مقصر دانست.

این قوه باید در قانونگذاری‌ها تا آنجا که ممکن است از ایجاد ضمانت اجراهای کیفری برای مسائل مختلف خودداری و حتی مواردی را که می‌توان فاقد جنبه‌ی مجرمانه دانست از اعداد جرایم یا قانونگذاری خارج کند.

این قوه باید با بازرسی و تحقیق مکرر و کنترل دائمی و جدی در کار کارگزاران و کارکنان خود، از ایجاد مسائلی که مآلاً جنبه‌ی کیفری پیدا می‌کند، جلوگیری

کند و به این ترتیب قوه‌ی قضاییه خواهد توانست با فراغ بال و فرصت بیشتر به کار اصلی خود که توسعه‌ی عدالت و فصل دعاوی مردم است، بپردازد.

نتیجه‌ی گیری و پیشنهادات

عدالت از جمله مفاهیم بنیادی در عرصه‌ی نظریه‌های سیاسی است که از دیرباز، دغدغه‌ی خاطر انسان بوده و ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول داشته است. فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو در دوره‌ی کلاسیک غرب و فیلسوفانی چون فارابی در دوره‌ی اسلامی، و برخی از نظریه‌پردازان سیاسی معاصر، همگی این مسئله را در کانون توجه خود قرار داده‌اند.

در اندیشه‌ی اسلامی نیز عدالت از جایگاه مهمی برخوردار است و به ویژه در اندیشه‌ی شیعه، عدل، یکی از اصول پنج‌گانه‌ی اعتقادی آن است که علاوه بر عرصه‌ی خداشناسی، بازتاب‌های مهمی در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی دارد. شاید به دلیل اهمیت بنیادی این مفهوم است که تا کنون آراء، نظریه‌ها و راه کارهای مختلف و گاه متعارضی از سوی مکاتب گوناگون، در مورد عدالت ارائه شده است. لذا همانند بسیاری از عرصه‌های فکری دیگر، هنوز راه حلی نهایی در این خصوص از سوی مکاتب بشری، ارائه نشده است.

عاقلاً آن خواهد بود که انسان امروزی به دنبال عدم دستیابی به پاسخ نهایی در چنین مکاتبی، دست به دامان وحی شده، پاسخ خود را از خالق عادل جهان هستی دریافت کند؛ چرا که بیعت پیامبران و تشریح ادیان نیز برای به سعادت رساندن انسان‌ها با اجرای قسط و عدل در زندگی آنان بوده است و دین اسلام نیز به عنوان آخرین پیام الهی برای بشر، می‌تواند تحقق عدالت را برای جامعه بحران‌زده امروزی به ارمغان آورد، به طوری که می‌توان اجرای عدالت را بزرگ‌ترین هدف تشکیل حکومت اسلامی دانست. در جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی که از وحی سرچشمه گرفته و قدرت و حاکمیت خود را منتسب به

خدا می‌داند، عدالت، نقش مهمی دارد. حتی اگر در عمل، عدالت به طور کامل اجرا نشود، پایه‌های نظام بر عدالت استوار شده و حداقل در اساسی‌ترین نظریه‌ها و قوانین بر آن تأکید شده است، به طوری که با نگاهی اجمالی به قوانین ایران می‌توان به وضوح، به این مسئله پی برد. از آن چه در این فصل آوردیم روشن می‌گردد که عدالت قضایی از موارد بسیار مهم در احقاق حقوق مردم است، مقنن و قاضی باید در اجرای عدالت در حوزه قضا نهایت کوشش را بکنند تا حقی به صاحب آن داده شود.

قانونگذار برای رسیدن به عدالت در امور قضایی جرم‌انگاری نموده مواردی را در قانون گنجانیده که تا افراد عادی یا مامورین ضبط قضا و یا قضات نتوانند به اجرای عدالت قضایی صدمه بزنند.

برای رسیدن به عدالت قضایی باید در مورد مجرمین مصادیق ضد عدالت قضایی تصمیم جدی صورت گیرد یعنی در محاکمه و مجازات مانعین عدالت قضایی اهمال و تسامح صورت نگیرد تا اعتماد مردم در محاکم جلب شود.



## منابع

کتاب و مقالات:

قرآن کریم

- آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: گنج دانش
- اسدی، لیلا، (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۳۸ و ۳۷
- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۸۹)، جزوه حقوق جزای اختصاص (مقطع کارشناسی ارشد)، قم: مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی
- پروینی، علی، (۱۳۸۸)، تقریرات درس آیین دادرسی کیفری، کلاس‌های آموزشی دوره ۱۰۶
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش
- خالقی، علی، (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری، چاپ ۱۰، تهران: نشرشهردانش
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر ویستار
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دراک
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک
- طارمی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، عدالت قضایی و جرایم پیرامونی، مجله پگاه، شماره ۲۶۳
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، (۱۳۸۴)، عدالت حقوقی، فصلنامه ندای صادق، شماره ۴۰
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، فلسفه حقوق، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فروزش

کوشا، جعفر، (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان

مالوری، فیلیپ، (۱۳۸۱)، ادبیات و حقوق، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگاه

معلوف، لوئیس، (۱۳۶۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد، مترجم: احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام

موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، جلد ۱ و ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۷)، جرایم علیه اشخاص، چاپ سوم، تهران: نشر میزان

ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۰)، بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی (ع)، فصلنامه نامه علوم انسانی، شماره ۴ و ۵

یزدی، محمد، (۱۳۸۴)، عدالت قضایی در جمهوری اسلامی، در گفتگوی چاپ شده در فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۵  
قوانین:

قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸/۲/۴

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴

قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲

قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱

قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی